

تحلیل مفهوم مدیریت خشم در آموزه‌های تعلیمی «سعدی نامه» به عنوان یکی از راهبردهای تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در نظام تربیت رسمی و عمومی

لیلا خواجه‌پور^{*} دکتر علی‌رضا یوسفی^{**} دکتر نرگس کشتی‌آرای^{***}

چکیده

هدف اصلی این پژوهش تحلیل مفهوم «مدیریت خشم» به عنوان یکی از راهبردهای تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در نظام تربیت رسمی و عمومی در بوستان سعدی است. روش پژوهشی تحلیلی از نوع تحلیل فلسفی است. جامعه مورد مطالعه بوستان سعدی و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه است. نمونه مورد مطالعه بخش‌های مرتبط با مقوله‌های پژوهش است که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها فیش‌برداری است که همزمان با فرایند جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها دسته‌بندی کدگذاری و مورد تفسیر قرار گرفت. یافته‌های حاصل نشان داد که مدیریت خشم در بوستان ضمن آموزش مفاهیم اخلاقی و پرورش عواطف عالی‌بشری به کار برده شده است و این مفهوم در سه قسمت خشم‌گریزی، خشم‌ضرورتی و خشم‌حکیمانه تبیین و مورد بررسی قرار گرفته است. مقوله‌های استخراج شده نشان می‌دهد که سعدی در عین واقع‌بینی و اعتدال در هیجان خشم، به موضوع‌های مربوطه از قبیل ملاطفت، مهربانی و نوع‌دوستی، بسویار بیش‌تر از موضوع‌های مربوط به خصومت، کینه‌توزی و روابط غیرانسانی پرداخته است که این امر به عنوان یک راهبرد تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در نظام تربیت رسمی و عمومی در ساحت تربیت اخلاقی لازم است مورد توجه سیاستگذاران نظام آموزشی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت خشم، بوستان سعدی، تحلیل مفهوم، راهبرد تربیت اخلاقی، نظام تربیت رسمی و عمومی.

□ تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۱۲ □ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۰۲

* دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاداسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران. khajepoor24@gmail.com
 ** نویسنده مسئول: استاد تعلیم و تربیت، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران. aryousefy@edc.mui.ac.ir
 *** دانشیار برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران. n_keshiara@khuisf.ac.ir

عواطف بخش اعظم زندگی انسان‌ها را در برمی‌گیرند و از سرمایه‌های مهم آدمی است که از طریق آن دنیا پر از معنا، سرشار از احساسات و قابل تحمل، درک می‌شود. عواطف با تأثیر انگیزشی خود در چگونگی افکار و تحقق رفتار نقش مهم و غالب‌تری را نسبت به عقل ایفا می‌کند، به طوری که تنظیم بسیاری از امور روزانه براساس همین عواطف صورت می‌گیرد و شکل‌گیری شخصیت و تحول اخلاق فردی و اجتماعی متأثر از آن می‌باشد. از این رو شناخت عواطف، نحوه رشد و پرورش متعادل آن‌ها نتیجه چشم‌گیری در پیشگیری از فقر عاطفی دارد و در نهایت سلامت عاطفی افراد را تضمین خواهد نمود.

در تعریف لغوی، عواطف^۱ در قالب یک طیف بیان شده است که معرف مجموعه‌هایی از محرکات، رفتارها، حالات و تجربیات مثبت و منفی مانند محبت، شادی، خشم و اندوه است. عواطف به صورت واکنشی بسیار خوشایند یا بسیار ناخوشایند تجربه می‌شود و با واژه‌های توصیفی، از قبیل هیجان، احساسات، خلق، عادت هیجانی، هیجان توأم با ثبات و انفعالات و کشش‌های مثبت و منفی شناخته می‌شود. به علت گستردگی مفهوم این واژه نمی‌توان دقیقاً آن را تعریف کرد (سیف، کدیور، کرمی نوری و لطف‌آبادی، ۱۳۷۵: ۵۰۲). این موضوع از مسائل مهم و تا اندازه‌ای پیچیده در روان‌شناسی است که از دلایل پیچیدگی در تعریف و تبیین آن نخست می‌توان به درآمیختگی مصادیق آن با واژه هیجان در روان‌شناسی اشاره کرد که عده‌ای عواطف، هیجان‌ها و تمایلات را درهم آمیخته‌اند و حالات هیجانی که اندیشه فرد را همراهی می‌کند تا در مواقع لازم برای انجام واکنش‌های ضروری به او کمک کند را عاطفه می‌نامند. از سویی، «عده‌ای دیگر مصادیقی متفاوت را برای آن ارائه کرده‌اند به عنوان نمونه پلاچیک^۲ در نظریه خود به هشت مصداق از هیجان اشاره می‌کند که عبارت هستند از: شادی، ترس، خشم، بیزاری، غمگینی، شگفتی، پیش‌بینی و پذیرش. ایزارد^۳ ده هیجان خشم، ترس، اندوه، شادی، نفرت، تعجب، شرم، گناه، علاقه و حقارت را براساس نظریه هیجان‌های متمایز خود معرفی نمود» (ریو^۴، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵: ۳۲۷).

تفاوت مفهوم عاطفه در دو دیدگاه اسلامی و غربی از دیگر دلایل ایجاد ابهام در

1. emotions
2. Plutchik
3. Izard
4. Reeve

تعریف آن است. در آموزه‌های اسلامی عاطفه به معانی الفت، مهربانی، عنایت رحمت، رأفت، شفقت، عفو و دوستی به کار رفته است و گاهی نیز به معنی رحمت و شفقت خاصی اطلاق می‌شود که بین اولوالارحام {خویشاوندان نسبی} وجود دارد. نکته مهم در این بحث این است که انگیزه‌های نیرومندی مبتنی بر شناخت وجود دارد که اگر از سلطه و کنترل انسان خارج شود، مناسبات فرد را به صورت غیرانسانی در می‌آورد و به نوعی زندگی فردی و اجتماعی فرد را تحت تأثیر مثبت یا منفی قرار می‌دهد. بنابراین بُعد عاطفی تمام گرایش‌ها و تمایلاتی را در بر می‌گیرد که در رفتار انسان آگاهانه جلوه پیدا می‌کند (شریعت‌مداری، ۱۳۷۹: ۵۶). لذا پشتوانه عقلانیت و معرفت در عاطفه الزامی است (جوادی‌آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۶).

بر این اساس در مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، عاطفه غیر از احساس است. احساس همان چیز است که ریشه فیزیولوژیکی دارد و حیوانات در داشتن آن با انسان تا اندازه‌ای مشترک‌اند و با ترشحات غدد درون‌ریز و تحریکات عصبی به وجود می‌آید؛ لذا غیرارادی و یا نیمه ارادی است. ولی عاطفه ریشه معرفتی دارد و خاص انسان است (صنوبری، ۱۳۹۰). بر طبق دیدگاه اسلام برترین نوع عواطف، آن است که احساس صرف نباشد و به کارگیری اندیشه‌ها و آموزه‌های دینی و اخلاقی پایه‌ای برای شناخت، رشد متعادل و پرورش عواطف خاص قرار گیرد. تربیت اسلامی از عقیده توحید اسلامی سرچشمه می‌گیرد و در تلاش جهت رسیدن به دو هدف پی‌نهاد شده است. یکی بقای انسان و دیگری تعالی انسان به پایه‌ای که در خور جایگاه او در هستی است. این دو هدف هنگامی جامه عمل می‌پوشد که روابط انسان با آفریدگار، طبیعت، انسان، و زندگی و آخرت به ترتیب به شکل: عبودیت، تسخیر، عدل و احسان، ابتلا (آزمون و سنجش)، مسئولیت و پاداش صورت بندد (عرسان‌کیلانی، ترجمه رفیعی، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۱۷). بر این مبنای، تربیت عواطف از نظر اسلام ناظر به غایت‌های متعالی است و با پرورش، تعلیم و تعلم عواطف سر و کار دارد و با اموری مانند خویش‌شناسی، رابطه انسان با خدا، رابطه انسان و طبیعت، رابطه انسان با هم‌نوعان، رشد و تکامل انسان در رابطه با ارزش‌های الهی، انسانی و حرکت او به سوی الله ارتباط دارد (باقری، ۱۳۹۰: ۶۰-۵۵).

عواطف فارغ از تعاریف‌شان، اهمیت و نقش مهمی در زندگی دارند و برای هر

کدام‌شان کارکرد خاصی وجود دارد. عواطف به خودی خود مشکل‌ساز نیستند بلکه به دلیل شدت، فراوانی و تأثیراتی که بر رفتار می‌گذارند می‌توانند مشکلاتی را ایجاد کنند. خشم از نمونه هیجان‌های پرشور، خطرناک و عمومی مشترک بین انسان و حیوان به شمار می‌رود که به دلیل ایجاد احساسات ناخوشایند در دسته هیجان‌های منفی قرار می‌گیرد و تأثیرات بسیاری بر توانایی‌های جسمی - روانی داشته و می‌تواند نظم موجود در آن‌ها و سازگاری انسان با محیط را مختل کند (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۶۷). در متون و روایات اسلامی بر لزوم کنترل و مدیریت خشم توصیه‌های فراوانی شده است و تأکید می‌شود که خشم به صورت غریزی در همه افراد بشر وجود دارد تا موانع حیات و کمال خویش را به وسیله آن دفع نماید، اما این غریزه مانند غرایز دیگر باید کنترل گردد و اگر از حد اعتدال خارج شود، یکی از دام‌های شیطان خواهد بود و آتشی است از طرف شیطان که در دل بنی آدم افروخته می‌شود «إِنَّ هَذَا الْغَضَبَ جَمْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تُوقَدُ فِي قَلْبِ ابْنِ آدَمَ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۹۱).

خشم از هیجان‌های اصلی بشر است که همیشه مطرح بوده و در علوم مختلف از جمله روان‌شناسی، فلسفه و اخلاق، تعاریف گوناگونی از آن شده است (آوریل، ۱۹۸۲). چنانکه در اصطلاح علم اخلاق درباره خشم گفته شده است «خشم یک حالت نفسانی است که موجب حرکت روح حیوانی از داخل به خارج می‌شود تا بر طرف مقابل غالب شود و از او انتقام گیرد» (نراقی، ۱۳۷۶: ۱۳۶). خشم معمولاً زمانی در انسان به وجود می‌آید که او گمان می‌کند اوضاع، آن‌گونه که باید باشد نیست و مانع، اختلال و یا انتقاد موجود هم ناموجه است. اکمن و دیویدسون^۱ (۱۹۹۴) معتقدند، هیجان خشم یک هیجان اصلی است که شامل هیجان‌های دیگر یعنی خصومت، غضب، غیظ، برآشفتگی، دلخوری، بیزاری، رشک و ناکامی می‌شود. شمول این هیجان با عواطف منفی ذکر شده، اجازه آزاد گذاردن آن را سلب، ضرورت شناخت و تربیت صحیح را برای حفظ و بقاء زندگی و بهبود روابط اجتماعی ایجاب می‌کند. در واقع مهم‌ترین ویژگی روان‌شناختی انسان، خودکنترلی و پرهیز از رفتارهای عاطفی - هیجانی است که برای بهداشت روانی فرد و اجتماع آسیب‌زننده هستند.

1. Averill
2. Ekman & Davidson

از دیدگاه علم اخلاق خشم برای دفع ضرر است و انسان‌ها در برابر این نیرو سه گونه برخورد دارند: ۱- بسیار عصبانی و تند مزاج: این گروه از حدود عقل و شرع تجاوز می‌کنند و متهور و بی‌باک به زدن خود و دیگران، دشنام، فاش‌سازی اسرار و استهزا اقدام می‌نمایند (صفات درندگان) ۲- افراد متعادل: این افراد طبق مقتضای عقل و شرع، عصبانی می‌شوند، این گروه، شجاع، با اراده، بلند همت و پر دل می‌باشند. ۳- افرادی که غضب و خشم ندارند: این گروه افرادی ترسو و بی‌عرضه هستند (قدیری، ۱۳۸۴: ۹۴). دستور علم اخلاق در برخورد با خشم مبنی بر اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط است و آن را منشأ فضیلت می‌دانند.

مدیریت عواطف^۱ عنوانی است که در دهه‌های اخیر کاربرد دارد و با عناوین مختلفی از جمله کنترل عواطف، کنترل هیجان‌ها و هوش هیجانی^۲ به کار گرفته می‌شود. تعاریف متعددی از هوش هیجانی صورت گرفته است که به‌رغم تفاوت ظاهری‌شان، همگی روی یک محور اساسی تأکید دارند و آن هم آگاهی از هیجانات، مدیریت آن‌ها و برقراری ارتباط اجتماعی مناسب است. به عقیده گلمن^۳ (ترجمه پارسا، ۱۳۸۵: ۷۵) هوش هیجانی شامل مهارت‌های خودآگاهی هیجانی، خودمدیریتی و مهارت آگاهی اجتماعی و توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دیگران است که همدردی با آنان، کنترل تکانش‌ها و حل تعارضات را در برمی‌گیرد. قابلیت خودآگاهی هیجانی و خودمدیریتی به تعامل فرد با خودش (مهارت‌های درون‌فردی) و توانایی ارتباط مؤثر و آگاهی اجتماعی به چگونگی رابطه فرد با مردم (مهارت برون‌فردی) مربوط می‌شود. شناخت هیجان‌ها به ما قدرت تحلیل و کنترل می‌دهد و هر قدر این شناخت بیشتر باشد، در کنترل عواطف و بهبود روابط بین‌فردی و اجتماعی موفق خواهیم بود.

بررسی پیشینه شعر و ادب فارسی نشان می‌دهد که عواطف انسانی و چگونگی کنترل آن، از موضوع‌های اصلی این علم است که در اندیشه بسیاری از شاعران مانند سعدی، حافظ و مولانا نمود یافته و بررسی آن‌ها می‌تواند نسخه خوبی برای رفع بسیاری از مشکلات روحی و روانی افراد جامعه باشد (یوسفی، ۱۳۴۰: ۴۷۱-۴۶۶). راز ماندگاری نام این بزرگان، استفاده از کلام الهی و ائمه هدی در سروده‌ها و نوشته‌هایشان است.

1. Emotion management
2. Emotional intelligence
3. Goleman

آن‌ها به صورت اشاره، تلمیح، اقتباس، تضمین، تحلیل، قصص و تمثیل‌های گوناگون از قرآن کریم و سخنان بزرگان دینی استفاده کرده‌اند (گودرزی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۲۴). «سعدی افتاده آزاده» در هاله‌ای از ایمان است که عقاید مذهبی اساس حرکت ذهنی و زمینه مباحث اخلاقی وی را تشکیل می‌دهد (دشتی، ۱۳۸۱: ۲۵۲). در اندیشه اخلاقی سعدی، با نظام اخلاقی فضیلت - فضیلت‌گرای دینی مواجه هستیم که در آن، عملی خوب است که منجر به سعادت اخروی شود؛ و دیگر آنکه پرورش فضایل و ملکات نفسانی، برای نیل به این سعادت صورت می‌پذیرد (خالصی، ۱۳۹۲: ۹۲). اخلاق فضیلت دینی برگرفته از اخلاق فضیلت، اما بر اساس معیارهای دینی است که در اندیشه‌های اسلامی و مسیحی شکل گرفت. تعیین و تعریف اقسام فضایل اخلاقی و غیر اخلاقی عمدتاً بدین دلیل مورد توجه فلاسفه و اندیشمندان اسلامی بود که باورهای دینی آنان را به همسویی اخلاق و دین و جدایی ناپذیری این دو از هم رهنمود می‌کند. آنان بر این باور بودند که فضایل اخلاقی مایه نجات و رستگاری انسان و رساننده او به سعادت جاوید است و رذایل اخلاقی مایه شقاوت همیشگی وی است؛ پس تزکیه نفس از رذایل و آراستن آن به فضایل را از مهم‌ترین واجبات برشمرند و دست یافتن به سعادت حقیقی را بدون آن محال دانستند (مجتبوی، ۱۳۸۱: ۴۱).

چنانچه در ابیات زیر مشاهده می‌گردد، خدامحوری در مباحث اخلاقی سعدی چون نیکي، نیکوکاری، پرهیز از ظلم، عدالت و بخشش نقش مهمی دارد وی آن‌ها را به این علت می‌ستاید که راهی برای کسب رضایت خداوند، سعادت اخروی و اندوختن توشه آخرت هستند.

از آن کز تو ترسد خطا در گذار / اگر می‌ترسی ز روز شمار

(سعدی، ۱۳۹۳: ۲۷۸)

که فردا نگیرد خدا بر تو سخت / تو با خلق نیکي کن ای نیک بخت

(سعدی، ۱۳۹۳: ۲۲۶)

چو حق با تو باشد تو با بنده باش / جوانمرد و خوش‌خوی بخشنده باش

(سعدی، ۱۳۹۳: ۱۸۳)

منازل به مقدار احسان دهند / کرم کن که فردا که دیوان نهند

(سعدی، ۱۳۹۳: ۱۹۴)

اخلاق فضیلت‌گرا بر خلاف اخلاق تکلیف‌گرا که به طور عمدۀ با ارزیابی اعمال مربوط است، با ارزیابی اشخاص، مقاصد و انگیزه‌های آن‌ها سر و کار دارد و معطوف به ترویج فضایل است و منش را که متشکل است از مجموعه فضایل و رذایلی که فرد مدام از خود نشان می‌دهد معیار سنجش فرهیختگی اخلاقی قرار می‌دهد (غفاری و باقری‌نوع‌پرست، ۱۳۸۰: ۱۶۹). بوستان سعدی نیز نمونه برجسته و ممتازی از مجموعه حکایت‌ها با محتوای اخلاق فضیلت‌مدار در تربیت فرد و اجتماع است. فضایل همدردی، نوع‌دوستی و مهرورزی او در بوستان دال بر آموزش مهارت‌های اجتماعی (برون فردی) و ارتباط با دیگران است و توصیه‌هایش بر خصایل فردی همچون صبر، تواضع، خردورزی و اعتدال در عمل گواهی بر آموزش مهارت‌های خود مدیریتی (درون فردی) است؛ که این مهارت‌ها مؤلفه‌هایی ضروری برای به دست آوردن توانایی در مدیریت عواطف است که سعدی به خوبی این نشانه‌ها را در بوستان رعایت کرده است. بیان او از عواطف همراه با ارزش‌گذاری اخلاقی است و بر این تلاش است که فضایل اخلاق را در افراد راسخ و رذایل اخلاق آنان را ریشه‌کن سازد و از این جهت می‌باید سعدی را روان‌شناس اخلاق دانست. اگرچه عواطف و مدیریت آن در علمی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اخلاق مورد بحث و بررسی قرار گرفته است ولی زبان شعر و ادب به علت تحریک احساسات توانایی نفوذ بیشتری در دل‌ها و اذهان دارد و می‌تواند در خصائل و منش ما مؤثر باشد.

فقدان دانش و مهارت‌های عاطفی، افراد را در مواجهه با مسائل و مشکلات آسیب‌پذیر نموده و آنان را در معرض انواع اختلالات روانی، اجتماعی و رفتاری قرار می‌دهد. از طرفی، انسان در گیرودار بحران معنویات و فقدان اخلاقیات، تشنه‌تر از همیشه در جستجوی چشمه‌های معنابخش زندگی است. معنویت‌گرایی به عنوان یکی از نیازهای اساسی آموزش و پرورش و عامل اساسی در رشد زندگی معنوی انسان، کانون توجه روزافزون متخصصان برنامه‌درسی، روان‌شناسان و فلاسفه است؛ به طوری که لحاظ نکردن آن را بی‌اعتنایی به عناصر اصلی آموزش و یادگیری می‌دانند و بر این باورند که باید معنویت را بخش مهمی از برنامه‌های آموزشی به حساب آورد. ورود معنویت در برنامه‌های درسی و اسناد تحولی بسیاری از کشورهای دنیا صورت گرفته است و برنامه‌هایی بر آن اساس و در بستری از مفاهیم معنوی ساخته

و پرداخته شده‌اند (نجفی، وفایی و ملک‌ی، ۱۳۹۴: ۱۳۴). همچنین یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اهداف نظام آموزشی در کشورهای مختلف جهان، به ویژه کشورهایی که با رویکرد و نگاهی دینی، دغدغه اتصاف و آراستگی دانش‌آموزان را به صفات و فضایل اخلاقی و ارزشی دارند، تلاش در جهت فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تربیت دینی شایسته و کارآمد یادگیرندگان خود می‌باشد. در واقع این تصور وجود دارد که از طریق برنامه‌های آموزشی و درسی مرتبط با تربیت دینی، اهداف و سیاست‌های نظام آموزشی در حوزه‌های اخلاقی، ارزشی، معنوی و مذهبی امکان‌پذیر می‌گردد (شریفی و میرشاه جعفری، ۱۳۹۵: ۱۱۶). رویکرد اصلی تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی کشورهای دینی نگاهی از جنس فضیلت‌گرایانه دینی می‌باشد و تربیت اخلاقی به معنای ظهور و بروز گروهی از فضایل در شخصیت فرد است. این فضیلت‌ها که فهرست بلند و وسیعی دارد، عموماً جنبه محتوایی تربیت اخلاقی را نیز تعیین می‌کنند و اهداف تربیت اخلاقی نیز همین فهرست فضایی است که باید کسب شوند یا ظهور پیدا کنند. در ادبیات تربیت اخلاقی گاه این رویکرد در شکل سنتی آن به رویکرد سبد یا بسته فضایل مشهور است (حسنی، ۱۳۹۵: ۱۹).

منظومه‌های ادب فارسی گنجینه‌هایی از مباحث عرفانی، اخلاقی، تربیتی و عاطفی هستند که می‌توانند روح انسان را سیراب کنند. از این رو تبیین مفهوم مدیریت خشم در بوستان سعدی از چند جهت اهمیت دارد؛ نخست این که شناختی از میراث فرهنگی غنی کشور صورت گرفته و بن‌مایه‌های فکری سعدی که آموزگار اعصار گذشته و نسل آینده است مورد مذاقه قرار می‌گیرد و این خود به نوعی می‌تواند ادای وظیفه در برابر کارهای عظیم فکری و فرهنگی او باشد. دوم اینکه «بوستان» سعدی آکنده از پاک‌ی و اندیشه‌های بشردوستانه است و سرشار از نکات دینی، معنوی و فضایل اخلاقی است که می‌تواند سرچشمه تدابیر مناسبی برای تمامی افراد جامعه و نهادهای تربیتی از جمله دستگاه عظیم آموزش و پرورش در رویارویی با مشکلات فردی و اجتماعی باشد.

درباره آثار و اندیشه‌های سعدی شیرازی پژوهش‌های بسیاری انجام شده است؛ از آن جمله سلطانی و صادقی (۱۳۹۱) پژوهشی با هدف انعکاس علم روان‌شناسی در آثار ادبی و انطباق آن با تئوری نوین روان‌شناسی تحت عنوان تصویرپردازی عاطفی (خشم و ترس) در بوستان سعدی با تکیه بر مباحث روان‌شناسی انجام داده‌اند. پژوهش

مذکور با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است و یافته‌ها نشان داد که سعدی از مهارت‌هایی که با اصطلاح هوش هیجانی شناخته شده است و شامل مهارت‌های کنار آمدن با پیچیدگی‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های شخصی که وضعیت مطلوب را به وجود می‌آورد آگاهی داشته و آن‌ها را با تصویرپردازی عاطفی به مخاطب خود ارائه کرده که با نظریه‌ها و مهارت‌های ارائه شده از جانب روان‌شناسان عصر حاضر مطابقت دارد. وفایی و کاردل ایلواری (۱۳۹۰) پژوهشی با هدف بررسی میزان اشتراکات آموزه‌های اخلاقی در بوستان و دیوان امام علی (ع) با روش توصیفی - تحلیلی انجام داده اند که یافته‌ها حاکی هستند از این‌که سعدی از مریدان آن حضرت است و در آثار خود بهره‌مندی شایسته‌ای از دیوان اشعار منسوب به امام علی (ع) داشته است. کتابی (۱۳۹۰) در مقاله خود «جلوه‌های مدارا در آثار سعدی» را با روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار داده است. نتایج این پژوهش بیانگر اخلاق مهربان و مداراگرانه سعدی و توصیه او به پرورش این صفات می‌باشد. خانیان (۱۳۹۱) به پژوهشی با هدف چگونگی برخورد سعدی با افسردگی در بوستان و گلستان و تطبیق نحوه برخورد با این اختلال روانی در (ادبیات و روان‌شناسی) پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که سعدی در حکایت‌هایش ضمن شناسایی اختلال افسردگی، برخوردی اصولی با آن منطبق با مکاتب شعردرمانی، داستان‌درمانی، معنادرمانی و سازوکارهای ادبی و روان‌شناسی امروزی از قبیل، ارتباط کلامی، پالایش روانی، براءت استهلال، آشنایی‌زدایی و تجاهل عارف داشته است. ذوالفقاری و یدالله‌پنجه‌زاری (۱۳۹۰) با هدف نقد جایگاه اندیشه‌های تعلیمی و اخلاقیات در آثار سعدی نشان داد که سعدی با بیان مضامین بلند اخلاقی و اندیشه والای عرفانی، حکمتی بر مبنای نوع دوستی، ترویج انسانیت و اصل عدالت در جهان بنیان نهاده است. خالصی (۱۳۹۲) با هدف تطبیق اخلاق از دیدگاه سعدی و کانت نشان داد که در اندیشه سعدی اخلاق فضیلت دینی و در اندیشه کانت اخلاق وظیفه‌گرا حاکم است. براساس نظام اخلاقی فضیلت دینی، عملی خوب است که منجر به سعادت اخروی شود و پرورش فضایل و ملکات نفسانی، برای رسیدن به این سعادت ضرورت دارد. در اخلاق وظیفه‌گرا فرد به دلیل پیروی از خرد، احساس تکلیف کرده و بدون هیچ‌گونه الزام بیرونی اقدام به انجام دادن فعل اخلاقی می‌نماید. خارستانی و سیفی (۱۳۹۳) با هدف بررسی اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه

سعدی نشان دادند که خداجویی، پرستش خدا و خدمت به خلق از اهداف تربیت اخلاقی و نوع دوستی و برادری، مبارزه با خواسته‌های نفسانی، تذکر، تدریج و تداوم و اعتدال از اصول تربیت اخلاقی و فرونتی و تواضع، دوستی با سایر ملل، ابراز محبت، تلفیق علم و عمل، پند و اندرز، الگوسازی، عبرت‌آموزی و محاسبه نفس از روش‌های تربیت اخلاقی در دیدگاه سعدی است. صیادکوه و بستانی کوهنجان (۱۳۹۲) در پژوهش خود که با هدف بررسی شیوه‌های ترغیب و تحذیر در آثار سعدی انجام داده اند، به این نتایج رسیدند که از شیوه‌های سعدی در ترغیب و تحذیر مخاطب، استناد به گفتار بزرگان و استناد به قرآن و حدیث است و در فراخوانی و تحذیر به امور معنوی یا مادی در همه موارد دعوت به امور معنوی می‌کند و در بیان بسیاری از ترغیب و تحذیرها متأثر از گفتار امیرالمونین (ع) در نهج البلاغه است.

لازم به ذکر است محمدی‌پویا (بی‌جنوند)، صالحی و مومینوند (۱۳۹۴) پژوهشی با هدف تحلیل محتوای نهج البلاغه براساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انجام دادند که یافته‌ها نشان دادند که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، در ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی ۴۷ مؤلفه، در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی ۲۹ مؤلفه، در ساحت تربیت زیستی و بدنی ۸ مؤلفه، در ساحت تربیت زیبا شناختی و هنری ۱۳ مؤلفه، در ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای ۸ مؤلفه و در ساحت تربیت علمی و فن آوری ۱۰ مؤلفه مورد تبیین قرار گرفته است و ارتباط زیادی بین ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نهج البلاغه وجود دارد. از آنجا که مؤلفه‌های بدست آمده در ساحت اعتقادی-عبادی و اخلاقی سند تحول بنیادین این تحقیق، مرتبط و همسو با مقوله‌های مدیریت خشم در این پژوهش است از یافته‌های آن در پژوهش حاضر استفاده گردید.

موضوع علم اخلاق نفس انسان است و اخلاقیات و تهذیب آن در اندیشه سعدی، از مبارزه با نفس شروع می‌شود و راه تسلط بر آن پناه بردن به عقل است. پندها و راهکارهایی که سعدی در آیات فوق برای کنترل نفس بیان می‌کند بر مدار عقل و خرد است البته این تنها محوری نیست که سعدی به آن اکتفا کرده باشد و اتکا به عواطف ارزشمند انسانی چون محبت و عشق برای مطرح کردن تکنیک‌های تربیت قوای غضبیه و شهویه نیز در لابه‌لای اشعارش مشاهده می‌شود.

بررسی‌های به عمل آمده حاکی از این است که سعدی دارای شخصیت جامع‌الطرافی است، از این روی می‌توان آثار نظم و نثر سعدی را از منظر علوم مختلف مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، اخلاق، دین و عرفان مورد تحلیل و بررسی قرار داد. اگرچه تمامی این پژوهش‌های انجام گرفته برای این پژوهش راهگشا بوده‌اند، اما مسئله پژوهش حاضر تاکنون در آثار دیگر پژوهشگران مغفول مانده است. بر این اساس سوالی که مطرح است این است که در بوستان سعدی خشم و مدیریت خشم به عنوانی یک راهبرد اخلاقی چگونه مورد توجه قرار گرفته است؟

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل مفهوم انجام شده است. این روش، فعالیت پژوهشی است که کاربرد کلمات را به منزله اساس تحلیل، مورد استفاده قرار می‌دهد. این شیوه با آشکار ساختن معنای کلمات و جملات باعث کشف اهداف نهفته، روشنی‌سازی و وضوح مفاهیم می‌شود و در نهایت زمینه حل مسائل را در حوزه‌های گوناگون فراهم می‌کند. رویکرد تحلیل مفهوم دارای فنون مختلفی از جمله بررسی بافت یا سیاق مفهوم، بررسی مترادف کلمات یا عبارات، تحلیل بر حسب مفهوم متضاد و تحلیل بر حسب شبکه معنایی است (باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۸۹: ۱۷۲-۱۶۲). جامعه پژوهش در این مطالعه کتاب بوستان و کلیه متون و پژوهش‌های انجام شده و اسناد در دسترس مربوط به مدیریت خشم در بوستان است که به طور هدفمند با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری، موارد عینی برای مطالعه انتخاب شد. اساس نمونه‌گیری نظری، انتخاب موارد بر اساس محتوای آن‌هاست و نه با استفاده از معیارهای انتزاعی روش شناختی؛ نمونه‌گیری بر مبنای مرتبط بودن موردها با تحقیق انجام گرفته است. این اصل مشخصه استراتژی‌های مربوط به گردآوری داده در تحقیق کیفی نیز به شمار می‌آید (فلیک، ۱۳۹۱: ۳۴۱). ابزار لازم برای جمع‌آوری اطلاعات و استخراج بندهای مرتبط با موضوع پژوهش، فیش‌های تحقیق بودند که همگی توسط محقق ساخته شده‌اند. پس از مطالعه و یادداشت‌برداری، مطالب گردآوری شده بر روی فیش‌ها به منظور مقوله‌بندی مورد استفاده قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از کدگذاری موضوعی استفاده شد. تحلیل متن در این روش عبارت است از کدگذاری عبارت‌ها و

روایت‌ها در چهارچوب مقولاتی که براساس داده‌ها ساخته شده اند (فلیک، ۱۳۹۱: ۳۴۶).
 تحلیل مفهوم «مدیریت خشم» در این مقاله از جنبه «بافت مفهوم» مورد مطالعه قرار گرفته است. مراحل‌ی که در خصوص یافته‌های این پژوهش صورت گرفت به شرح زیر می‌باشد:
 - شناسایی، جمع آوری، ثبت مضامین و ابیاتی مرتبط با موضوع در تمام ابواب بوستان (جمع آوری داده‌ها)؛ سپس تقلیل داده‌ها به مفاهیم کلیدی مستتر در مضامین و ابیات.
 - دسته‌بندی مفاهیم مستتر براساس شباهت محتوایی مطالب و عنوان دهی به هر مقوله و تقسیم هر مقوله به خرده مقوله‌ها.
 - استخراج مفاهیم (مقوله‌های به دست آمده) به عنوان یافته‌های نهایی تحقیق و نتیجه‌گیری.

یافته‌های پژوهش

مدیریت خشم راهبردی برای تربیت اخلاقی

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی، از برجسته‌ترین نویسندگان و شاعران تعلیمی است. این نوع ادبیات سعادت انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و سعی در پرورش قوای روح و تعلیم اخلاق دارد. سعدی شاعری است که تعلیم اخلاق می‌دهد و عواطف بیان‌شده در حکایت‌هایش ناظر بر مسائل اخلاقی هستند. او نیروهای عاطفی را در ایجاد فضیلت و رذیلت اخلاق دخیل می‌دانسته است و به این علت سعی در هدایت آن‌ها به سمت مسیرهای اخلاقی داشته است. نمودهای عاطفی و هیجانی بسیاری در اشعار سعدی قابل مشاهده است که ارائه آن‌ها به گستردگی و تنوع مفهومی بیان‌شده در نزد روان‌شناسان نیست و سعدی برای توصیف آن از مفاهیم تهذیب اخلاق و قوای نفس بهره برده و این‌گونه اشاراتی به ساحت عاطفی انسان داشته است.

تهذیب اخلاق «بدین معناست که نفس انسانی چه نوع خلقی را می‌تواند کسب کند که همه افعالی که از نفس صادر شود جمیل و محمود باشد» (طوسی، ۱۳۶۹: ۴۸). واژه اخلاق همانند دو واژه «Moral» و «Ethics» دو کاربرد متمایز دارد: گاهی اخلاق به معنی خلق و خوی، رفتار عادت شده و مزاج به کار می‌رود و گاهی به معنای عادت و سجیه^۱ به کار می‌رود. معنای دیگر این واژه‌ها دانشی است که از حسن و قبح و خوبی و

بدی رفتار بحث می‌کند (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲: ۵۶). علم اخلاق اسلامی، غالباً نفس را بر سه قوه می‌دانند یعنی قوه ملکی (عقلی)، شهوی و سبعی که از اعتدال آن‌ها سه فضیلت حکمت، عفت و شجاعت به بار می‌آید. فضیلت در علم اخلاق، صنعتی است نیک و پسندیده که معلول اعتدال قوای نفس و دوری آن‌ها از افراط و تفریط است (طوسی، ۱۳۶۹: ۱۱۱-۱۰۸).

سعدی به مانند علمای اخلاق اسلامی قوای نفس انسان را براساس نوع تمایلات و گرایش‌های موجود در آن به قوه عقلیه، قوه غضبیه و قوه شهویه تقسیم کرده است. از نظر او گرایش‌های متعدد نهاده شده در وجود انسان، باید توسط رهبری به نام «عقل» تدبیر گردد؛ در غیر این صورت، این قوا هر یک صاحب خود را به سوی خویش می‌کشد و در نهایت او را به سمت مادیات، تمتعات دنیوی و شهوانی سوق می‌دهد و غرق در اشیاع غرایز حیوانی می‌کند. اساس تربیت اخلاقی را توانایی کنترل امیال و عواطف می‌سازد و سعدی در آموزه‌های اخلاقی خود درصدد فراهم کردن شرایط و زمینه‌ای است که فرد بتواند نفس اماره خود را کنترل کند و منظور از نفس در دیدگاه او امیال و خواهش نفسانی هستند که با عواطف سروکار دارند. وی در باب هفتم بوستان درباره نفس اماره و تربیت آن چنین آورده است که وجود انسان صحنه نبرد لشکریان عقل با لشکریان نفس است و انسانیت انسان زمانی تحقق خارجی خواهد یافت و به فعلیت می‌رسد که بتواند بر رفتار، تمایلات و غرایز خویش کنترل عقلانی داشته باشد و تمایلات منفی را از شهر وجود خارج کند. تهذیب اخلاق و اصلاح نفس در منظر او با ملکه کردن عادات پسندیده اخلاقی و پاکیزه‌سازی اخلاق فرد از رذایل و ناپاکی‌های اخلاقی چون شهوت، حرص، کین و حسد انجام می‌گیرد.

چه در بند پیکار بیگانه‌ای؟	تو با دشمن نفس هم‌خانه ای
به مردی ز رستم گذشتند و سام	عنان باز پیچان نفس از حرام
تو سلطان و دستور دانا خرد	وجود تو شهری است پر نیک و بد
هوی و هوس: رهزن و کیسه بر	رضا و ورع: نیک‌نامان حر
کجا ماند آسایش بخردان؟	چو سلطان عنایت کند با بدان
چو خون در رگ‌اند و جان در جسد	تو را شهوت و حرص و کین و حسد

(سعدی، ۱۳۹۳: ۱۵۳)

برای درک بهتر و پی بردن به دیدگاه اخلاقی و عاطفی در خصوص مفهوم مدیریت خشم از منظر سعدی ذکر شرایط تاریخی و اجتماعی آن زمان لازم می‌نماید و به همین مختصر اکتفا می‌کنیم که او در دوران نا امن و پر آشوب استیلای مغول زندگی کرده است و فضای نابسامان اجتماعی، غارت‌ها و دشمنی‌های مغولان در زمان وی سبب شده بود که دوستی و مهر از میان مردمان هم عصرش رخت بریندد. سعدی ریشه معضلات جامعه عصر خودش را در بحران و تباهی عواطف و اخلاق می‌داندست و بدین علت با بیان مسائل اخلاقی و عاطفی سعی در تغییر رفتار و تعالی روحی و روانی افراد مختلف جامعه را داشته است و بر این اساس نهایت تلاش خویش را برای احیای ارزش‌های اخلاقی و انسانی جامعه به کار می‌بندد. جامعه خشونت زده، سعدی را در بوستان وادار به طرح حکایت‌های متنوع پیرامون انسان‌دوستی و مهار خشم می‌کند. وی به مثابه یک روان‌شناس، با تنوع در حکایت‌هایش خواسته است تا درگیری هیجانی و اخلاقی بیشتری را برای هم‌ذات‌پنداری خوانندگان ایجاد کند تا آنان بتوانند با شبیه‌سازی ذهنی موقعیت‌های خود و حکایت‌هایی که در خصوص مفهوم مدیریت خشم و مقابله با آن ارائه شده به پالایش روانی برسند و در نهایت ادراک خود از این مفهوم را وسیع‌تر کنند. مهم‌ترین شاخصه سعدی برای پرداختن به مفهوم مدیریت خشم «پرورش اخلاق و عواطف عالی‌ه انسانی» است. او برای ترویج این عواطف انسانی علاوه بر اعتدال و خردورزی، بیشترین توصیه خود را به حفظ حرمت هم‌نوع، همدلی و یگانگی انسانی اختصاص داده است و ملت‌ها را به تفاهم، بشردوستی و زدودن خصومت از جوامع دعوت می‌نماید. نصایح سعدی در برخورد با مدیریت خشم از جهت تأکید بر عواطف و مطابق حس همدردی رفتار کردن، شباهت بسیاری به نظریه عاطفه‌گرایی در اخلاق دارد و شهادی بر پابندی او به نظریه عواطف اخلاقی است. نمونه حکایات او برای پرورش عواطف انسانی، در باب دوم بوستان توصیه به همدردی با افراد خشمگین است. این حکایت برخورد کریمانه سلطانی است که در بیابان پیرمردی به او دشنام‌های رکیک می‌دهد. سلطان قبل از آن‌که ناراحت شود و بر او خشم بگیرد علت را از او جويا می‌شود و وقتی می‌بیند پای خرس در گل فرورفته و در گرفتاری است؛ با او همدلی می‌کند و به جای خشم گرفتن نه تنها او

را می‌بخشد بلکه به او هدیه نیز می‌دهد:

نگه کرد سلطان عالی محل
ببخشود بر حال مسکین مرد
خودش در بلا دید و خرد در وحل
فرو خورد خشم سخن‌های سرد
زرش داد و اسب و قبا پوستین
چه نیکو بود مهر در وقت کین
(سعدی، ۱۳۹۳: ۹۳)

سعدی با علم به اهمیت و تأثیر عواطف در زندگی انسان‌ها، در طرح فضائل و رذایل اخلاقی از آن‌ها بهره جست و سعی در رسوخ فضائل و ملکه شدن صفات پسندیده در نفس آدمی داشت. صفات پسندیده خویشنداری، حلم، تواضع، تحمل و پرهیز از صفات نکوهیده تکبر و خودپرستی نمونه مواردی هستند که سعدی در خلال بیان مواجهه با خشم در حکایت بایزید بسطامی آورده است.

بایزید بسطامی سحرگاه عید فطر به حمام رفته بود که هنگام خارج شدن از آن ناگهان به خطا طشت خاکستری را بر سرش خالی کردند. او به جای این که خشمگین شود خدا را شکر می‌کند و با خود می‌گوید که من سزاوار آتش دوزخم، پس چرا از اینکه فقط خاکستری نصیب شده است عصبانی شوم.

که ای نفس من درخور آتشم
تواضع سر رفعت اندازدت
به خاک اندر اندازدت
به گردن فتد سرکش تندخوی
به خاکستری روی درهم کشم؟
تکبر به خاک اندر اندازدت
بلندیت باید بلندی مجوی
(سعدی، ۱۳۹۳: ۱۱۶)

فضیلت نیکی و بخشش نیز نمونه مواردی هستند که سعدی ضمن مفهوم مدیریت خشم آن بیان کرده است. او دوست و دشمن را مورد رأفت می‌داند، تا آن جا که سزای بدی را هم نیکی می‌خواهد و معتقد است که احسان دندان عداوت و دشمنی را کند می‌کند:

عدو را بجای خسک زر بریز
ببخش ای پسر کادمی زاده صید
که احسان کند کند، دندان تیز
به احسان توان کرد و وحشی به قید
(سعدی، ۱۳۹۳: ۷۳)
(سعدی، ۱۳۹۳: ۸۷)

فضیلت تساهل در اشعار سعدی بسیار است و این شایستگی اخلاقی را در ابیاتی که برای دعوت به نرم‌خویی و پرهیز از خشونت سروده است انعکاس داده است:

چو کاری برآید به لطف و خوشی چه حاجت به تندی و گردن‌کشی
 گرم کن، نه پرخاش و کین آوری که عالم به زیر‌نگین آوری
 (سعدی، ۱۳۹۳: ۷۸)

مضامین مدارا و مهربانی با انسان‌ها در اندیشه و کلام سعدی جاری است و در هر حکایتش به نوعی، عواطف انسان را تصفیه می‌کند. او داشتن اخلاق و عاطفه را از امتیازات انسان می‌داند و برای حل مشکلات جوامع بشری ناشی از خشونت، بر پرورش فضائل اخلاقی و عواطف عالی انسانی تأکید دارد. سعدی مسلمان و متأثر از اندیشه‌های اسلامی است و عواطف بیان‌شده در آثار وی ریشه معرفتی دارد مانند عاطفه، نوع‌دوستی و مهرورزی. سعدی برای تقابل با خشم کوشش می‌کند، انسان‌ها را با این عواطف خاص آشنا و آنان را راغب به انجام آن سازد. اندیشه مهرورزانه سعدی نتایج مهمی را برای مهار خودخواهی، خودبینی و ایجاد لطافت، رقت، رفع خشونت، سخاوت و بخشندگی به همراه دارد و ترویج این گونه عواطف مثبت می‌تواند به پرورش و تربیت اخلاقی بیانجامد. با توجه به هدف پژوهش در این قسمت به معناشناسی مدیریت خشم از دیدگاه سعدی پرداخته شده است.

جدول ۱. ثبت مضامین و ابیاتی مرتبط با موضوع - تقلیل داده‌ها به مفاهیم کلیدی مستتر در مضامین و ابیات

اشعار و جملات استخراج شده	تفسیر اشعار	مفاهیم مستتر
<p>از سخنان سعدی می‌توان دریافت «مدارا» با ظالمان و مردم‌آزار را نمی‌پسندد آنجا که می‌گوید: غریبی که پر فتنه باشد سرش میازار و بیرون کن از کشورش تو گر خشم بر وی نگیری رواست که خود خوی بد دشمنش در قفاست و گر پارسی باشدش زاد بوم به صنعاش مغرست و سقلاب و روم هم آن جا امانش مده تا به چاشت نشاید بلا بر دگر کس گماشت که گویند برگشته باد آن زمین کز او مردم آیند بیرون چنین (سعدی، ۱۳۹۳: ۴۴)</p> <p>سعدی در همین باب در خصوص دفع دشمن به رأی و تدبیر بیان کرده است که: اگر دشمنی پیش گیرد ستیز به شمشیر تدبیر خویش بریز (سعدی، ۱۳۹۳: ۷۶)</p>	<p>سعدی معتقد است افرادی که بدکار و پر فتنه و موذی هستند و شر آن‌ها استثنایی نیست و به یک نفر محصور نمی‌ماند، این‌گونه شرور باید کیفری در پی داشته باشد تا رواج نیابد و به جامعه از آن زبان نرسد (دشتی، ۱۳۸۱: ۲۹۸)</p> <p>تمامی پندها و راهکارهایی که سعدی در لابه‌لای حکایات بوستان بیان می‌کند، خود بر مدار خردورزی و اندیشه‌ورزی ظریف و دقیقی استوار است که بر ساخته ذهن تعقل‌گرای اوست (نیازکار، ۱۳۸۹: ۱۲۱)</p>	<ul style="list-style-type: none"> ● کشتن افراد پر فتنه و شر ● مجازات خرابکاران و مفسدان ● خردورزی در خشم ● کشتن اشرار جهت جلوگیری از ترویج شر و بدی
<p>از نظر سعدی، پادشاهان و حاکمان را شایسته و مصلحت آن است که معزولان و مغضوبان خود را پس از چند زمانی، مشمول عفو قرار دهند و آنان را، دیگربار، به خدمت گمارند.</p> <p>یکی را که معزول کردی ز جاه چو چندی برآید ببخشش گناه برآوردن کام امیدوار به از قید بندی شکستن هزار نویسنده را گر ستون عمل بیفتد، نبرد طناب امل به فرمانبران بر، شه دادگر پدروار خشم آورد بر پسر گهش می‌زند تا شود درناتک گهی می‌کند آیش از یده پاک چو نرمی کنی خصم گردد دلیر و گر خشم‌گیری شوند از تو سیر درشتی و نرمی به هم در به است چو رگ‌زن که جراح و مرهم نه است جوانمرد و خوش‌خوی و بخشنده باش چو حق بر تو باشد تو بر خلق پاش (سعدی، ۱۳۹۳: ۴۵)</p>	<p>به گمان سعدی، یکی از مسائل مهم در امر سیاست و کشورداری بخشایش و عفو معزولان و برکنار شدگان از امور دیوانی و لشکری است. پس از توبیخ، تشویق ضرورت دارد و اصولاً باید در امور حکومتی درشتی و خشونت با نرمی و لطف همراه باشد و گرنه وفای به مقصود نخواهد بود (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۱۳۹).</p> <p>سعدی در باب تدبیر و رأی در مورد برخورد حاکمان با مجرمان این‌گونه نظر می‌دهد؛ که خشم فرمانروایان نسبت به مردم باید مانند خشم پدر نسبت به پسر باشد (سعدی، ۱۳۹۳: ۴۵).</p> <p>نیکی و بخشش از جمله مواردی است که از دیدگاه سعدی مورد عنایت واقع شده است. سعدی شیرازی ذکر می‌کند که به‌پاس این‌که خداوند به تو جایگاه عطا کرده و از خزانه غیب بر تو بخشیده است، تو با پندگان خداوند به مهربانی رفتار کن و بخشنده باش (خطیب‌رهبر، ۱۳۷۱: ۶۲)</p> <p>از دیدگاه سعدی، نه رأفت و رحمت صرف می‌تواند کارساز باشد و نه نعمت و خشونت مطلق؛ بلکه پیوسته، باید ترکیبی از این دو را مد نظر داشت و به مقتضای مورد، رویه مناسب و مؤثر انتخاب کرد (کتابی، ۱۳۹۴: ۵۵).</p>	<ul style="list-style-type: none"> ● بخشش گناه افراد به امید بخشیده شدن اشتباهات از سوی خداوند ● داشتن خشم پدر وارانه. ● خشم و نرمی به اندازه داشتن. ● نیکی و بخشندگی. ● تشویق بعد از توبیخ. ● همراه داشتن درشتی و نرمی با هم. ● مهربانی با پندگان خداوند. ● انتخاب رویه مناسب و مؤثر در موقعیت.

مفاهیم مستتر	تفسیر اشعار	اشعار و جملات استخراج شده
<ul style="list-style-type: none"> ● تأمل و درنگ کردن در مجازات. ● توجه به عاقبت جبران ناپذیر خشم گرفتن. ● رعایت مراحل خشم گرفتن. ● بی توجهی به فتنه انگیزی مغرضان. ● جلوگیری از مجازات سریع و شدید. 	<p>سعدی می گوید: باید در مورد مجازات‌ها تأمل کرد. فتنه انگیزی‌ها و دشمنی‌ها را درباره افراد نباید پذیرفت؛ و در صورتی که کسی مرتکب جرمی شد نباید بلافاصله او را کشت؛ چه اگر خلافتش ثابت شد جبران‌ش ممکن نخواهد بود؛ بنابراین نخست باید به نصیحتش پرداخت، گوشمالی‌اش داد، سپس اگر بازهم تنبیه بی حاصل بود بند و زندانش کرد و در پایان چنانچه به هیچ طریقی راه اصلاح او وجود نداشت و تربیتش مؤثر نیفتاد، بایست بیخ این درخت خبیث را برآورد (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۱۲۴-۱۴۷).</p>	<p>سعدی معتقد است اگر گناهکاری اظهار پشیمانی کرد بپذیر. چه اگر به تو پناه آورد مروت نیست که دست به خون او بیایی. ولی پس از آنکه او را از بدی کارش آگاه کردی و نپذیرفت به زندان انداز و کیفر بده. اگر پند و بند سودمند نیفتاد همان بهتر که چنین عنصر فاسدی در جامعه نباشد تا دیگران را چون خود نیالاید. به هر صورت، وی می گوید در حال خشم کسی را کیفر مده، تحمل و تأمل داشته باش. چه اگر بی گناهی را به زندان افکندی می توان از بند رها نمود، ولی اگر کشتی سر بریده را نتوان به بدن پیوند کرد.</p> <p>به سمع رضا مشنوا ایذای کس وگر گفته آید به غورش برس گنه کار را عذر نسیان بنه چو زنهار خواهند زنهار ده گر آید گنه کاری اندر پناه نه شرط است کشتن به اول گناه چو باری بگفتند و نشنید پند بده گوش مالش به زندان و بند وگر پند و بندش نباید بکار درختی خبیث است ببخش بر آر چو خشم آیدت بر گناه کسی تأمل کنش در عقوبت بسی که سهل است لعل بدخشان شکست شکسته نشاید دگر باره بست (سعدی، ۱۳۹۳: ۴۵)</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● مهار خشم به وسیله عقل ● تحقیق در مورد جرم گناهکار ● دقت نظر در مورد مجازات ● کسی را به ناحق مجازات نکردن ● نگاه داشتن عقل و خرد ● تحمل و بردباری در خشم ● پرهیز از مجازات و کیفر سخت گرفتن بر گناهکار ● رعایت اعتدال در مجازات 	<p>سعدی شیرازی، به عقل و خرد در هنگام عصبانیت و خشم توصیه می کند. او معتقد است فردی که از خرد بهره مند باشد، خشم و غضب خود را مهار می کند. سعدی توصیه می کند که در سیاست راندن اصرار ورز و پای فشاری کن؛ اما نصیحت می کنم که به هنگام عصبانیت سررشته خرد را از دست نده و استوار نگاه دار (خطیب رهبر، ۱۳۷۱: ۱۰۸).</p> <p>سعدی معتدل و تجربه اندوخته، پختگی و کار آزمودگی را در همه جا لازم می داند و به حاکم و قاضی پیشنهاد تحقیق و دقت نظر لازم را می دهد تا کسی بنا حق مجازات نشود. سعدی بر تحمل و بردباری حاکمان تأکید می کند و توصیه دارد که هرگاه حاکم خشمگین شد باید از طریق عقل بر خشم غلبه نماید (رحیمی بهمنیاری، ۱۳۹۳: ۱۹۲).</p> <p>شیخ شیراز، همواره از مجازات به خصوص کیفر سخت گنه کار پرهیز دارد و در مجازات رعایت اعتدال را شرط می داند (سمعی، ۱۳۸۰: ۷۳-۷۲).</p>	<p>در باب اول بوستان، سعدی داستان مردی را بیان کرده است که به دلیل حسن گفتار مورد توجه و عنایت شاه قرار می گیرد. ملک او را اکرام کرده پس از مدتی که او را می آزماید بر وزیر برترش داشته و وزارت را بدو می سپارد. در این میان وزیر که اقتدار خود را از دست رفته می بیند و احساس می کند از سوی ملک مورد تبعیض و بی توجهی قرار گرفته، نسبت به وزیر جدید دچار حسد شده و به دنبال راهی برای رسیدن به مقام پیشین خود است. وزیر کهن که از وزیر جدید کوچک ترین خیانتی ندیده و از علاقه او به دو غلام ملک آگاهی یافته، به سبب دشمنی با وزیر جدید، این خبر را به زشتی به اطلاع شاه می رساند تا حدی که آتش خشم را در ملک شعله ور می کند. سعدی در این حکایت نشان می دهد که ملک خشم خود را کنترل می کند و فقط به شنیده هایش از وزیر کهن، اکتفا نمی کند و خودش پنهانی در این باره تحقیق می کند.</p>

مفاهیم مستتر	تفسیر اشعار	اشعار و جملات استخراج شده
		<p>سعدی پس از بیان حکایت، خود به‌صراحت به نتیجه گیری می‌پردازد و نتایج نامطلوب کنترل نکردن خشم را به شیرینی و با جدیت بیان کرده و هشدار می‌دهد.</p> <p>صواب است پیش از کشش بند کرد که نتوان سر کشته پیوند کرد خداوند فرمان و رأی و شکوه ز غوغای مردم نگردهد ستوه سر پر غرور از تحمل تهی حرامش بود تاج شاهنشهی نگویم چو جنگ‌آوری پای دار چو خشم آیدت عقل بر جای دار تحمل کند هر که را عقل هست نه عقلی که خشمش کند زیردست (سعدی، ۱۳۹۳: ۵۱)</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● بی‌ارزشی فرمانروایی دنیا، در برابر ریختن خون ● جلوگیری از خونریزی و کشتن انسان ● صلح‌طلبی 	<p>سعدی می‌گوید: که فرمانروایی تمام دنیا ارزش ریخته شدن یک قطره خون را ندارد تا چه رسد به کشتن یک انسان (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۵۹).</p> <p>او در جای‌جای کلامش، ستایشگر صلح است و نکوهش‌گر جنگ (سیادتی، ۱۳۸۷: ۹۵-۷۹).</p>	<p>طبع ملایم و آرامش‌طلب و آشتی‌جوی سعدی و روح خسته و رنج‌دیده و ستم‌کشیده محیط اجتماعی او به صلابت و استواری در اشعار او منعکس شده‌اند. سعدی روحیه صلح‌طلب خود را در این ابیات صریحاً بیان نموده است:</p> <p>چو شاید گرفتن به نرمی دیار به پیکار خون از مشامی میار به مردی که ملک سراسر زمین نیرزد که خونی چکد بر زمین (سعدی، ۱۳۹۳: ۵۲)</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● نیاززدن اسیران جنگی ● نکشتن اسیران جنگی. 	<p>نیاززدن اسیران دشمن در مانیفست اخلاقی سیاسی سعدی جایگاه ویژه‌ای دارد (قراگوزلو، ۱۳۸۹: ۱۳۸۹).</p> <p>سعدی زمانی که بخشیدن دشمن خطر آفرین نباشد آن را از کشتن او بهتر می‌داند (سیادتی، ۱۳۸۷: ۸۶).</p>	<p>سعدی، به سپاهان جنگی هشدار می‌دهد که مبدا اسیران را بیازارند.</p> <p>چو بر دشمنی باشد دسترس مرجاناش کاو را همین غصه بس عدو زنده سرگشته پیرامنت به از خون او کشته در گردنت (سعدی، ۱۳۹۳: ۵۲)</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● کشتن فراریان در میدان جنگ خودی ● احتیاط در صلح و آشتی با دشمن ● هشیاری در صلح و جنگ 	<p>سعدی به پایمردی در جنگ معتقد است و به فراریانی که پشت به سپاه خودی می‌کنند، روی خوش نشان نمی‌دهد (قراگوزلو، ۱۳۸۹: ۱۳۸۹).</p> <p>آیین کشورداری در بوستان مبنی بر اصول و حقایق باریکی از هشیاری و بیداری در صلح و جنگ است.</p> <p>(یوسفی، ۱۳۵۰: ۲۹۵-۲۹۴).</p>	<p>سعدی در بعضی از حکایت‌ها، خشم و کشتن را جایز می‌داند، مثلاً در حکایت تقویت مردان کارآموده، سعدی درنگ در کشتن فراریان در میدان جنگ را برای پیشگیری از خسارت و صدمات غیرقابل‌جبران جایز نمی‌داند و با صراحت می‌گوید:</p> <p>←</p>

مفاهیم مستتر	تفسیر اشعار	اشعار و جملات استخراج شده
<ul style="list-style-type: none"> ● عاقبت اندیشی در صلح یا جنگ با دشمن ● غافل نبودن از حيله دشمن 	<p>به عقیده سعدی، حاکم باید عاقبت اندیش باشد و در هنگام صلح و آرامش به جنگ فکر کند و در همه حال از حیلۀ جنگی دشمن غافل نباشد(سعدی، ۱۳۹۳: ۷۶).</p>	<p>یکی را که دیدی تو در جنگ پشت بکش گر عدو در مصافش نکشت سعدی، برای حذر از دشمن بداندیش و حتی صلح با وی نیز توصیه می کند که: نگویم ز جنگ بد اندیش ترس در آوازه صلح از او بیش ترس بسا کس به روز آیت صلح خواند چو شب شد سپه بر سر خفته راند (سعدی، ۱۳۹۳: ۷۶)</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● صلح طلبی ● انتخاب جنگ به عنوان گزینه آخر ● تلاش برای پرهیز از جنگ ● خشم بر کینه و روز 	<p>از نظر سعدی جنگ، آخرین گزینه است. وقتی همه چاره اندیشی ها بی نتیجه ماند باید دست به شمشیر برد(سعدی، ۱۳۹۳: ۷۳).</p> <p>سعدی به دقیق ترین نکته ها و سنجدیده ترین راه ها توجه می کند و به پادشاه و به سپاهیان می آموزد با دشمنی که بر جنگ پای می فشارد، بجنگند: «که با کینه و مهربانی خطاست» و در برابر خداوند نیز مسئولیت متوجه دشمن است(دادبه، ۱۳۹۲).</p>	<p>نگرش سعدی نسبت به پدیده جنگ و صلح نگرشی مشروط است. اصل اول نزد شاعر تلاشی است که می باید برای پرهیز از جنگ و استقرار همه جانبه صلح صورت گیرد(فراگوزلو، ۱۳۸۹).</p> <p>اگر پیل زوری و گر شیر جنگ به نزدیک من صلح بهتر که جنگ (سعدی، ۱۳۹۳: ۷۳)</p> <p>شیخ شیراز معتقد است که اگر دشمن از در صلح درآمد، مخالفت و لجاجت روا نیست در غیر این صورت باید با قدرت تمام به جنگ ادامه داد. و در او پای جنگ آورد در رکاب نخواهد به حشر از تو داور حساب تو هم جنگ را باش چون کینه خاست که با کینه و مهربانی خطاست چو با سفله گویی به لطف و خوشی فزون گرددش کبر و گردن کشی به اسبان تازی و مردان مرد برآر از نهاد بداندیش گرد (سعدی، ۱۳۹۳: ۷۲)</p> <p>به باور سعدی، اگر همه راه ها و تدبیرها، برای جلوگیری از رویارویی، به بن بست رسید، آنگاه چاره ای جز دست یازیدن به جنگ نیست. چو دست از همه حیلتی در گسست حلال است بردن به شمشیر دست (سعدی، ۱۳۹۳: ۷۲)</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● نکویی با مردم ● احسان با مردم ● حل کردن مشکلات به نرمی و گشاده رویی ● پرهیز از تندخویی و بدمنشی 	<p>به مردم نیکویی کن تا دل هایشان را اسیر خود گردانی. چه بسا که احسان، انسان را بنده کرده است(سعدی، ۱۳۹۳: ۷۸).</p> <p>سعدی سفارش می کند هنگامی که کاری به نرمی، مهر و گشاده رویی حل می شود، پس نیازی به بدمنشی و تندخویی نیست(خطیب رهبر، ۱۳۷۱: ۲۴۹).</p>	<p>اندرز اخلاقی سعدی در ابیات زیر، همان چیزی است که بارها در جای جای آثارش بدان پرداخته است.</p> <p>کرم کن، نه پر خاش و کین آوری که عالم به زیر نگیں آوری چو کاری بر آید به لطف و خوشی چه حاجت به تندی و گردن کشی؟ (سعدی، ۱۳۹۳: ۷۸)</p>

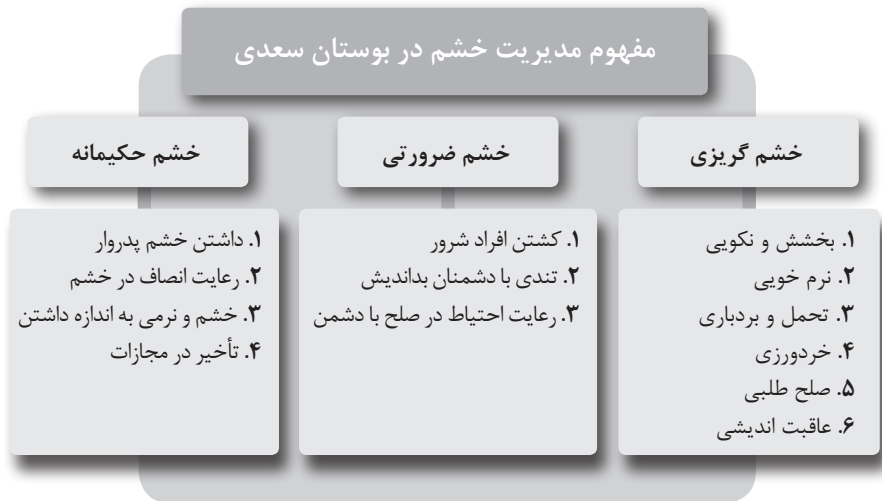
مفاهیم مستتر	تفسیر اشعار	اشعار و جملات استخراج شده
<ul style="list-style-type: none"> ● تأکید بر نرمی و نیکوکاری اما نه با هر کسی ● عدم بردباری با بدان ● تندی با دشمن بداندیش ● عدم مدارا با مردم‌آزار ● ضرورت حداکثر شدت عمل در مجازات مردم‌آزار 	<p>سعدی نیکوکاری با هر کسی را روا نمی‌داند. به اعتقاد سعدی، بردباری در برابر بدان، بدکاری آنان را بیشتر می‌کند(سعدی، ۱۳۹۳: ۹۸).</p> <p>سعدی، اعمال مدارا و مماشات را در حق کسانی که به ستم و آزار مردم پرداخته و دست تعدی به سوی آن‌ها دراز کرده‌اند، هرگز روا نمی‌داند و معتقد به ضرورت حداکثر شدت عمل و اجرای اشد مجازات درباره آن‌هاست(کتابی، ۱۳۹۴: ۵۱-۵۰).</p>	<p>سعدی معتقد است تا زمانی که امکان انجام کارها با نرمی و مدارا وجود دارد، باید از خشونت در رفتار پرهیز کرد. با این‌که در بوستان، احسان و نیکوکاری گستره وسیعی دارد و سعدی آن را برای دوست و دشمن توصیه کرده است اما در حکایت‌هایی نیز، توصیه‌هایی در خصوص برخورد تند یا دشمن مشاهده می‌شود.</p> <p>کسی با بدان نیکویی چون کند؟ بدان را تحمل بد افزون کند چو اندر سری بینی آزار خلق به شمشیر تیزش بینداز خلق بگفتیم در باب احسان بسی ولیکن نه شرط است با هر کسی چو گرگ خبیث آمدت در کمند بکش ورنه دل بر کن از گوسفند از ابلیس هرگز نباید سجود نه از بدگهر نیکویی در وجود بداندیش را جاه و فرصت مده عدو در چه و دیو در شیشه به مگو شاید این مار کشتن به چوب چو سر زیر سنگ تو دارد بکوب (سعدی، ۱۳۹۳: ۹۸)</p>

جدول ۲. دسته‌بندی مفاهیم مستتر براساس شباهت محتوایی مطالب و عنوان دهی به هر مقوله و تقسیم هر مقوله به خرده مقوله‌ها

مفهوم جایگزین شده (مقوله به دست آمده)	خرده مقوله‌ها	کد مفاهیم هم دسته شده
<p style="text-align: center;">خشم ضرورتی</p>	<p>از بین بردن افراد شرور</p>	<p>کشتن افراد پرفتنه و شر مجازات خرابکاران و مفسدان کشتن اشراک جهت جلوگیری از ترویج شر و بدی. کشتن فراریان در میدان جنگ خودی خشم بر کینه‌ورز عدم بردباری با بدان تندی یا دشمن بداندیش عدم مدارا با مردم‌آزار</p>
	<p>رعایت احتیاط در صلح با دشمن</p>	<p>احتیاط در صلح و آشتی با دشمن هشیاری در صلح و جنگ غافل نبودن از حيله دشمن</p>
<p style="text-align: center;">خشم حکیمانه</p>	<p>رعایت انصاف</p>	<p>دقت نظر در مورد مجازات کسی را به‌ناحق مجازات نکردن رعایت اعتدال در مجازات</p>

مفهوم جایگزین شده (مقوله به دست آمده)	خرده مقوله‌ها	کد مفاهیم هم دسته شده
خشم حکیمانه	نرمی و درشتی به اندازه داشتن (میانه روی در خشم)	داشتن خشم پدر و ارائه خشم و نرمی به اندازه داشتن تشویق بعد از توبیخ همراه بودن درشتی و نرمی باهم
	تأخیر در مجازات	جلوگیری از مجازات سریع و شدید رعایت مراحل خشم گرفتن تحقیق در مورد جرم گناهکار
خشم گریزی	خردورزی	خردورزی در خشم مهار خشم به وسیله عقل نگهداشتن عقل و خرد انتخاب رویه مناسب و مؤثر در موقعیت بی توجهی به فتنه انگیزی مغرضان
	صلح طلبی	جلوگیری از خونریزی و کشتن انسان صلح طلبی انتخاب جنگ به عنوان گزینه آخر تلاش برای پرهیز از جنگ
	عاقبت اندیشی	توجه به عاقبت جبران ناپذیر خشم گرفتن عاقبت اندیشی در جنگ با دشمن
	بخشش و نکویی	بخشش گناه افراد نیکی و بخشندگی نکویی با مردم مهربانی با بندگان خداوند احسان یا مردم
	نرم خوئی	حل کردن مشکلات به نرمی و گشاده رویی پرهیز از تندخویی و بدمنشی نیاززدن اسیران جنگی نکشتن اسیران جنگی پرهیز از مجازات و کیفر سخت گرفتن بر گناهکار
	تحمل و بردباری	تأمل و درنگ کردن تحمل و بردباری در خشم

جدول ۳. استخراج مفاهیم (مقوله‌های به‌دست آمده)
به عنوان یافته‌های نهایی تحقیق و نتیجه‌گیری



آنچه از مقولات و خرده مقولات در جمع بندی اشعار و تفسیر آن‌ها توسط صاحب نظران مربوطه با توجه به جداول قبل به دست می‌آید، راهگشای ما در یافتن استخراج مفاهیم و مقوله‌های اصلی این پژوهش است. بر این اساس، دیدگاه سعدی در مدیریت خشم ناظر بر کنترل و پرهیز از این هیجان است و آنجا که توصیه برگرفتن خشم دارد، داشتن انصاف و خشمی پدروار را به مخاطبان گوشزد می‌کند. سعدی در موارد خاص و آنجا که ضرورت، ایجاب می‌کند از جمله در مقام دفاع در مقابل کینه‌توز و افراد شرور مجوز اشد خشم گرفتن را صادر می‌کند. در تبیین افتراق دو خشم ضرورتی و خشم حکیمانه می‌توان به گرفتن اشد مجازات در خشم ضرورتی و تمایل به گذشت و بخشودن در خشم حکیمانه اشاره داشت.

جمع بندی و نتیجه گیری

هدف پژوهش تصریح معنای مدیریت خشم در بوستان سعدی است که بدین منظور از روش تحلیل مفهوم استفاده شده است. یافته‌های حاصل حاکی از این است که مدیریت خشم از دیدگاه سعدی مبتنی بر پرورش و رسوخ دادن یک سلسله عواطف اخلاقی فردی و اجتماعی در وجود انسان از قبیل نیکی، بخشش،

همدلی، مهرورزی، شفقت و... است. رویکرد سعدی در تربیت اخلاقی ناظر بر فضیلت است. این نوع از تربیت اخلاقی، معطوف به ترویج فضایل و محوریت دادن منش اخلاقی (ترویج کیفیت‌های متعالی اخلاق) است و روش‌های مورد تأکید این رویکرد عبارتند از: مهارت‌آموزی و تمرین فضیلت‌ها، سرمشق‌دهی و بیان حکایت و داستان (غفاری و باقری‌نوع‌پرست، ۱۳۸۰: ۱۷۸-۱۷۶). سعدی نیز همانند همه آنان که در اخلاق فضیلت‌مدار گام می‌زنند از الگوها و اسوه‌های اخلاقی در آثارش بهره می‌برد. یعنی از کسانی که در پرورش و هدایت ملکات درونی خود موفق بوده‌اند و اعمال آن‌ها برخاسته از فضایل درونی است (خالصی، ۱۳۹۲: ۹۴). وی همچنین با بیان فضایل در قالب حکایت و داستان و ایجاد هم‌ذات‌پنداری از طریق آن به تمرین عملی پرورش عواطف عالی و در نهایت به تربیت اخلاقی در مخاطبان می‌پردازد. از نظر سعدی، پرورش این‌گونه عواطف انسانی باعث بهتر اداره کردن آن‌ها می‌شود و ضامن بقای زندگی فردی و اجتماعی و سرچشمه برتری‌های اخلاقی است که می‌تواند فرد را به تعادل روحی برساند. سعدی در اندرزهایش از توصیه‌های مصلحت‌اندیشانه و خردورزانه در مدیریت خشم فروگذار نکرده است، اما بیشتر با برانگیختن عواطف نوع‌دوستانه و خیرخواهانه سعی در انجام این کار دارد و نصایح وی در خصوص واکنش انسان‌ها پیرامون خشم و کنترل آن بر سه قسم است:

خشم‌گریزی: مدارا، مهربانی، شفقت و انسان‌دوستی از مضمون‌های اصلی و تأکیدی سعدی در بوستان است. مدارا و مهربانی ویژگی‌هایی است که سعدی دارد و به خاطر آن ماندگار شده است؛ اگر در سخن سعدی خشونت و قساوت بود او باقی نمی‌ماند. این یافته هم‌سو با مهاجرانی (۱۳۷۸) است. او با حکایت‌های بیان‌شده در بوستان، به تبلیغ عشق و محبت پرداخته است تا آدمیت را به مردم بیاموزد. داورهای اخلاقی وی در حکایات، از جنس توصیه یا امر و دستورند و این بدین معناست که سعدی، از افراد بشری خواسته تا خود را به شیوه و سبک خاصی از زندگی مبتنی بر مهر و عشق‌ورزی ملزم کنند. او مبلغ صلح و مهرورزی است و غایت آرزویش تفاهم میان ملت‌ها، از بین رفتن خصومت‌ها و کدورت‌ها است و در این عرصه با روش مقابله عاطفی خود، سعی در پاک‌سازی این هیجان منفی با پرورش عواطف مثبت از

قبیل بخشش، نکویی و نرم‌خویی، تحمل و بردباری داشته است. گذشت و جوانمردی که از مصادیق خشم‌گریزی در اندیشه‌های سعدی است همسو با یافته یوسفی (۱۳۵۰) است. وی یاد آور شده است که سعدی شیوه مردمی و گذشت و جوانمردی را دوست دارد و آن را در جهان بوستان عرضه نموده است.

خشم ضرورتی: سعدی معتقد به فطرت نیک و بد در آدمی است و توجه به این موضوع است که سبب شده علاوه بر عرضه شیوه نوینی از زندگی توأم با صلح و بهزیستی، با روشن‌بینی و دوراندیشی در معدود مواردی هشدار دهد که در خشم گرفتن بر علیه افرادی که ذاتاً شرور و بد اندیش می‌باشند تردید روا نمی‌باشد و قاطعانه مجوز خشم گرفتن بر آنان را صادر می‌کند. توصیه او برای ضرورت خشم گرفتن بر افراد شرور و کینه‌ورز ناشی از تسلط خشم بر قوه عقل و ضایع شدن آن نیست بلکه این تصمیم زیر نظر کامل عقل و با توجه به مصلحت‌اندیشی انجام می‌گیرد. این یافته یعنی ضرورت خشم گرفتن بر افراد شرور با یافته دشتی (۱۳۸۱) همسو است. دشتی (۱۳۸۱) یاد آور شد که سعدی مرد اجتماع است و از آنجا که به سلامت جامعه علاقه‌مند است این جنبه از خشم را در مورد افراد فطرتاً مودی و بدکار و اشخاصی که شر آن‌ها استثنایی نیست و به یک نفر محصور نمی‌ماند فراموش نمی‌کند و معتقد است این‌گونه شرور باید کیفری در پی داشته باشد تا در جامعه رواج نیابد.

خشم حکیمانه: اعتدال‌گرایی و اجتناب از افراط و تفریط از آموزه‌های سعدی می‌باشد و این اندیشه کم و بیش، بر جنبه‌های تفکر سعدی در زمینه تعادل بین رحمت و خشونت، تأثیرگذار بوده است. سعدی مصلحی خردمند و انسان‌دوست است. توصیه او بر اعتدال، انصاف و داشتن خشم «پدروار» نشأت گرفته از همین ویژگی‌های شخصیتی وی است و گواهی بر اخلاق تساهل و مداراگرانه او در برخورد با این هیجان است. می‌توان گفت اعتدال‌ورزی سعدی در مفهوم خشم از نوع میانه‌روی و حد وسط نیست. این یافته پژوهش مبنی بر اعتدال‌گرایی و به‌کار بستن خشم حکیمانه در اندیشه سعدی با یافته فروغی (۱۳۸۵) همسو است. فروغی (۱۳۸۵) یادآور شد سعدی در آموزه‌هایش انسان‌ها را بیش‌تر به اموری مثل «عشق و ایثار»

فرامی‌خواند که همه ارزش و زیبایی آن‌ها، به چیرگی جنبه افراط آن‌ها می‌باشد. چرا که سعدی سراپا مهر و محبت است و جنبه عاشقی وی قوی است، به طوری که وجود سعدی را از عشق و محبت سرشته‌اند. قرار دادن دو مقوله خشم‌گریزی و خشم حکیمانه در کنار یکدیگر نشان می‌دهد که مدارا و مهربانی و پرهیز از خشم و خشونت در صدر اندیشه سعدی قرار دارد.

با التفات به این‌که حوزه پژوهش حاضر افکار و عواطف بشر دوستانه سعدی در بوستان است و بی‌گمان نتایج به دست آمده از اندیشه او در تربیت لطیف‌تر و انسانی‌تر این هیجان مؤثر است می‌بایست چنین راه و رسم نوع دوستی و تسامح را با در بطن قرار دادن آن، در فرایند تعلیم و تربیت و به خصوص اسناد بنیادین نظام تعلیم و تربیت که زمینه ساز تحولی عظیم در کل جامعه است، سرمشق عمل آدمیان در هنگام مواجهه با خشم قرار داد. در این راستا نقش شورای عالی آموزش و پرورش، آموزش و پرورش و برنامه‌ریزان درسی جهت تدوین اسناد و برنامه‌های درسی متناسب با مباحث مدیریت و کنترل عواطف مبتنی بر نظر و اندیشه‌های بزرگان اخلاق و تربیت کشورمان بیش از دیگر نهادها است.

لذا با توجه به نتایج به دست آمده این پژوهش، پیشنهادات کاربردی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

از آن جا که عواطف بیان شده در حکایت‌های بوستان سعدی ناظر بر مسائل اخلاق و تربیت اخلاقی است و دیدگاه وی در آموزه‌های اخلاقی، مبتنی بر فضیلت‌گرایی دینی و بر منش پروری یا سیرت‌آموزی است و رویکرد اصلی تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی نیز نگاهی از جنس فضیلت‌گرایانه دینی است (حسنی، ۱۳۹۵: ۱۹)، لازم است براساس این یافته و یافته محمدی پویا و همکاران (۱۳۹۴) مؤلفه‌های عقلانیت محوری، رعایت اعتدال، رفع و دفع رذایل، خدا محوری، اقدام به عمل برای خدا، امید به رحمت خدا، جهاد با نفس، پرهیز از خودپسندی، صبر و تحمل، تواضع، خوف الهی و اجتناب از ایمان‌گروی صرف در ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی سند تحول بنیادین مورد توجه قرار گیرد.

همچنین مصادیق، تقدم فضل بر عدل و تقدم رحمت بر غضب، تأکید بر کاربرد دین و اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی، رعایت اعتدال و حرکت از انگیزه‌های

دنیوی مشروع به انگیزه‌های اخروی در مضامین عاطفی - اخلاقی بوستان سعدی که با اصول ساحت اعتقادی - عبادی و اخلاقی و به خصوص تربیت اخلاقی مرتبط است نیز مورد توجه برنامه‌ریزان درسی قرار گیرد. در واقع سعدی با دو عنصر پرورش فضایل و دوری جُستن از رذایل و پرورش عنصر خردورزی سعی در تربیت اخلاقی افراد دارد که نتیجه این‌گونه تربیت اخلاقی این است که هر چقدر فرد در مسیر پرورش فضایل و دفع رذایل قرار گیرد قرب او به خداوند بیش تر می‌شود. بدین سبب از مباحث عاطفی - اخلاقی بیان شده در بوستان سعدی می‌توان در جهت رسیدن به اهداف ساحت اعتقادی - عبادی و اخلاقی تربیت بهره برد.

لازم به ذکر است که در رویکرد فضیلت‌گرانه دینی، اصالت با محتوای تربیت اخلاقی است و محتوای تربیت اخلاقی فهرستی از فضایل است که باید کسب شوند (حسنی، ۱۳۹۵: ۱۹). از این رو می‌توان از حکایت‌های قابل فهم بوستان سعدی که سرشار از فضایل اخلاقی است، در محتوای دروس کودکان دوره ابتدایی و متوسطه در خصوص رسیدن به اهداف ساحت اعتقادی - عبادی و اخلاقی تربیت استفاده کرد. مزایای به‌کارگیری این محتوا به چند دلیل شایان ذکر است: ۱- حکایت‌های سعدی به صورت شعر و در قالب بیان داستان ارائه گردیده است که این شیوه ارائه در برانگیزانندگی محتوا مؤثر است ۲- فضیلت‌های فردی و اجتماعی بیان شده در بوستان در جهت پرورش اخلاق و عواطف عالیه انسانی نافع می‌باشد ۳- تلفیق موضوعات و معارف دینی - اخلاقی بوستان که در تأثیرگذار بودن و رسیدن به هدف غایی تربیت اسلامی نتیجه‌بخش است ۴- توجه سعدی به ابعاد وجودی انسان و ارائه آموزه‌هایی متناسب با این ابعاد در بوستان منجر به تربیت اخلاقی - دینی می‌گردد. همچنین با توجه به این رویکرد می‌توان از محتوای آثار ارزشمند ادبی - دینی و اخلاقی شاعران و اندیشمندان مسلمان همچون سعدی در جهت اضافه یا جایگزین کردن آن‌ها با بعضی مفاهیم اخلاقی به‌کار رفته شده در فهرست سبذ فضایل اسناد و منابع تربیتی استفاده کرد.

براساس معارف دینی عواطف و هیجانات می‌توانند به صورت مستقل و یا با ارشادهای عقلی در اخلاق و تربیت اخلاقی تأثیرگذار باشند. ساحت عاطفی بر رفتار انسان‌ها فراوانی بیش‌تری نسبت به جنبه عقلی دارد و بُعد عاطفی با سهولت بیش‌تری

نسبت به ساحت عقلانی تحریک می‌شود (دیبا، ۱۳۹۱: ۴۹). لذا با توجه به نقش عواطف در تربیت اخلاق و با بیان این مطلب که در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به مقوله عواطف پرداخته نشده است لازم است در برنامه‌ها و سند‌های جامع تربیتی مانند سند تحول بنیادین به این ساحت توجه بیشتری مبذول گردد.

از محدودیت‌های این پژوهش این است که فقط کتاب بوستان به عنوان محدوده مطالعاتی مد نظر قرار گرفته است. از این رو این یافته محدود به همین اثر است و قابل تعمیم به دیگر آثار سعدی نمی‌باشد. از این رو به سایر محققین علاقمند به حوزه‌های آثار سعدی شیرازی، دیگر ادیبان و سند تحول بنیادین پیشنهاد می‌شود که در مطالعات خود دیگر آثار سعدی و ادیبان کشورمان را از زوایای دیگر سند تحول بنیادین نیز مد نظر قرار دهند. عدم وجود پیشینه مرتبط در مورد موضوع این تحقیق از دیگر تنگنای‌های تحقیق بود. اگر چه در خصوص بوستان تحقیقات زیادی صورت گرفته است، لیکن از منظر مدیریت خشم و راهبرد آن در تربیت اخلاق تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. از این رو آنچه که ارائه شده است پژوهشی بکر و مقدماتی برای استخراج مفاهیم تربیت اخلاقی - عاطفی شاعران و اندیشمندان مسلمان و نحوه کاربرد آن‌ها در برنامه‌های درسی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی است.

منابع

- باقری، خسرو. (۱۳۹۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. جلد ۱. تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس و توسلی، هانیه. (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. چاپ اول. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). معرفت‌شناسی در قرآن، ویرایش حمید پارسانیا. قم: انتشارات بنیاد اسراء.
- حسینی، محمد. (۱۳۹۵). بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی. *دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی*، ۱۱ (۲۲)، ۵۱-۲۵.
- خارستانی، اسماعیل و سیفی، فاطمه. (۱۳۹۳). اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه سعدی. *مهندسی فرهنگی*، ۹ (۸۲)، ۸۴-۱۰۴.
- خالصی، محمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی اخلاق از دیدگاه کانت و سعدی. *سعدی‌شناسی*، دفتر شانزدهم، ۸۴-۱۱۰.
- خانیان، حمید. (۱۳۹۱). شیوه بیان سعدی در برخورد با افسردگی در بوستان و گلستان. *فصل‌نامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، ۵ (۲)، ۱۸۱-۱۹۵.
- خطیب‌رهر، خلیل. (۱۳۷۱). بوستان سعدی. تهران: انتشارات صفی علباشه.
- دادبه، اصغر. (۱۳۹۲). بوستان سعدی‌شناسی، دفتر هشتم، ۳-۲۳.
- دشتی، علی. (۱۳۸۱). *قلمرو سعدی*. تهران: انتشارات کیهان.
- دبیا، حسین. (۱۳۹۱). نقش عواطف و هیجانات در اخلاق. *فصل‌نامه حکمت اسراء*، ۴ (۳)، ۲۵-۵۹.
- ذوالفقاری، محسن و یدالله‌پننه‌زاری، زهرا. (۱۳۹۰). نقد جایگاه اندیشه‌های تعلیمی و اخلاقیات در آثار سعدی. *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، ۳ (۱۲)، ۸۱-۱۰۲.
- رحیمی‌بهنیاری، اله‌قلی. (۱۳۹۳). *اخلاق سعدی*. یاسوج: نشر چویل.
- ریو، جان مارشال. (۱۳۸۵). انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی محمدی. تهران: انتشارات ویرایش.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۹۳). بوستان، تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- سلطانی، منظر و صادقی، طاهره. (۱۳۹۱). تصویرپردازی عاطفی (خشم و ترس) در بوستان سعدی با تکیه بر مباحث روان‌شناسی. *فصل‌نامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، ۵ (۱)، ۳۲۹-۳۵۰.
- سلیمانی، فرانک. (۱۳۸۸). جلوه‌های صلح و بشر دوستی در اشعار مولانا، حافظ و سعدی. *فصل‌نامه علمی پژوهشی امداد و نجات*، ۱ (۳)، ۵۱-۶۸.
- سمیعی‌گیلاتی، احمد. (۱۳۸۰). *تساهل و تحرک دو صفت بارز سعدی*. *سعدی‌شناسی*، دفتر چهارم، ۶۵-۷۱.
- سیادتی، سید جلال‌الدین. (۱۳۸۷). عطوفت در حکومت از دیدگاه متنی و سعدی. *مجله پژوهشی دانشنامه*، ۱ (۲)، ۷۹-۹۵.
- سیف، سوسن؛ کدیور، پروین؛ کریمی‌نور، رضا و لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۷۵). *روان‌شناسی رشد*. تهران: انتشارات سمت.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۷۹). *تعلیم و تربیت اسلامی*. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- شریفی، مریم و میرشاه‌جعفری، ابراهیم. (۱۳۹۵). بررسی برنامه درسی تربیت اخلاقی در چند کشور جهان و کشور ایران. *معرفت اخلاقی*، ۱۷ (۱)، ۱۱۵-۱۳۱.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی رشد*. چاپ پنجم. تهران: اطلاعات.
- صنوبری، صادق. (۱۳۹۰). بررسی نقش عاطفه در تعلیم و تربیت قرآنی. *سومین همایش به سوی راهبردهای قرآنی در تربیت انسان*. موسسه فرهنگی قرآن و عترت صابر.
- صیادکوه، اکبر و بستانی‌کوجنانی، لیلیا. (۱۳۹۲). بررسی شیوه‌های ترغیب و تحذیر در گلستان سعدی. *پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی*، ۵ (۱۹)، ۹۵-۱۳۰.
- طوسی، خواجه‌نصیرالدین. (۱۳۶۹). *اخلاق ناصری*، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی و علی‌رضا حیدری. چاپ چهارم. تهران: انتشارات خوارزمی.
- عرب‌انگیزی، ماجد. (۱۳۸۹). *فلسفه تربیت اسلامی*، ترجمه، نقد، اضافات: بهروز رفیعی. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- غفاری، ابوالفضل و باقری‌نوع‌پرست، خسرو. (۱۳۸۰). تربیت اخلاقی فضیلت‌گرا از منظر دیوید کار. *مطالعات اسلامی: نشریه الهیات و معارف اسلامی*، ۴ (۵۳-۵۴)، ۱۵۷-۱۸۴.
- فرامرزی قراملکی، احد. (۱۳۸۲). *اخلاق حرفه‌ای*. قم: مجنون.

- فروغی، محمدعلی. (۱۳۸۵). کلیات سعدی، تعلیقات و مقدمه بهاء الدین خرمشاهی. تهران: انتشارات دوستان.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- قدیری، محمدحسین. (۱۳۸۴). مدیریت خشم. ماهنامه معرفت، ۱۴ (۹۷)، ۹۳-۱۰۶.
- قراگزلو، محمد. (۱۳۸۹). جنگ و صلح از منظر سعدی. سعدی‌شناسی، دفتر هفتم، ۴۱-۵۴.
- کتابی، احمد. (۱۳۹۰). پیوند ادب و سیاست: جلوه‌های مدارا در آثار سعدی. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۲۵ (۲۸۶)، ۱۶۴-۱۸۷.
- (۱۳۹۴). استبداد ستیزی و ستم‌نکوهی در آثار شیخ اجل سعدی. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۲۹ (۲۹۹)، ۴۲-۵۹.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۳). اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- گلمن، دانیل. (۱۳۸۵). هوش هیجانی، ترجمه نسرتین پارسا. تهران: رشد.
- گودرزی‌نژاد، آسیه. (۱۳۸۹). تأثیر صفات الهی در نهج البلاغه و بوستان سعدی. مطالعات ادبیات تطبیقی، ۴ (۱۵)، ۱۳۳-۱۴۲.
- مجتبوی، جلال‌الدین. (۱۳۸۱). علم اخلاق اسلامی. تهران: انتشارات حکمت.
- محمدی‌پویا (بیجوند)، فرامرز؛ صالحی، اکبر و مومیوند، فاطمه. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای نهج البلاغه بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. فصل‌نامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه، ۳ (۱۰)، ۶۳-۸۱.
- مصطفوی، رضا. (۱۳۶۹). سعدی معلم اخلاق. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باهرز کرمان)، ۱ (۱)، ۱۲۴-۱۴۹.
- مهاجرانی، سید عطاءالله. (۱۳۷۸). سعدی شاعر مدارا و مهربانی. سعدی‌شناسی، دفتر دوم، ۷-۱۱.
- نجفی، حسن؛ وفاپی، رضا و ملکی، حسن. (۱۳۹۴). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های رشد معنوی انسان و تحلیل آن در محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران. نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۱ (۱)، ۱۳۳-۱۵۶.
- نراقی، ملاحمد. (۱۳۷۶). معراج السعاده. تهران: انتشارات دهقان.
- نیازکار، فرح. (۱۳۸۹). عقل‌گرایی سعدی در «عدل و تدبیر و رأی». سعدی‌شناسی، دفتر سیزدهم، ۱۱۱-۱۲۲.
- وفاپی، عباسعلی و کاردل‌ایلواری، رقیه. (۱۳۹۰). اشتراکات آموزه‌های اخلاقی بوستان سعدی و دیوان امام علی (ع). پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی (پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی)، ۳ (۱۰)، ۱-۲۸.
- یوسفی، غلام حسین. (۱۳۴۰). عواطف بشری در ادب فارسی. یغما، ۱ (۱۶۲)، ۴۶۶-۴۷۱.
- (۱۳۵۰). جهان مطلوب سعدی در بوستان. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۷ (۲)، ۲۸۴-۳۰۹.

Averill, J.R. (1982). *Anger and aggression: An essay on emotion*. New York: Springer-Verlag.

Ekman, P., & Davidson, R.J. (Eds.). (1994). *The nature of emotion: Fundamental questions*. New York, NY: Oxford University Press.